آموزش باله با روشی نو

«بیژن کلانتری» تحصیلات بالهٔ کلاسیک خود را در سال ۱۳۲۶ در آمریکا آغاز کرد و با استفاده از یک بورس هنری وارد مدرسهٔ بالهٔ«ایرای «متروپولیتن» شد و زیر نظر استادان این مؤسسه با فرمهای مختلف رقص از جمله بالهٔ مدرن آشنائی یافت.

«بیژن کلانتری» با گروههای بالهٔ ایرای متروپولیتن، ایرای فیلادلفی، ایراهای دالاس و کانزاس کار کرده و بعنوان هنرمند میهمان چندین‌بار با گروه بالهٔ «بوژتوریکو» در شهر «سن‌وان» همکاری داشته است. در سال ۱۳۴۸، «کلانتری» برنامه‌ای تحت‌عنوان «شب باله» با همکاری هنرمندان ایرانی مقیم خارج از ایران ترتیب داد و از بانیر همانسال بخش بالهٔ هنرستان عالی موسیقی را تاسیس کرد. در سال ۱۳۴۹ به مدت ۳ ماه به‌دعوت ایرای ون به‌این شهر رفت و در اپرت باطراحانی چون «برونیسلاوانجینسکا» و«سرژلیفار» به‌کار پرداخت.

اینک درست ٤ سال از فعالیت‌های هنری‌ـ آموزشی «کلانتری درایران می‌گذرد. بهمین مناسبت به‌دیدار او و مؤسسه‌اش می‌رویم و پای صحبتش می‌نشینیم. پریسا

www.easterndanceforum.com

www.easterndanceforum.com

شاگردان «کلانتری» در حال تمرین

بیژن کلانتری و همسرش

.... کارمان را ازچهارسال پیش شروع کردیم ، پیش ازآن درهنرستان رشتهٔ باله وجود نداشت وبچه‌ها تنها در زمینهٔ موسیقی وسازهای مختلف تحصیل می‌کردند . امابالله هنری مستقل‌است و ازاینرو بعنوان رشته‌ای کاملا مستقل آموزش آنرا آغاز کردیم . درکشورهای دیگر نیز در کنسرواتوارها و آکادمی‌ها چنین تعلیماتی به‌کودکان‌داده می‌شود ، تعلیماتی که برای ساختن یك رقصنده مفید و ضروری است ، اماهمواره این‌تعلیمات با تربیت عمومی وآموزش سایر دروس همراه است . آموزش و تربیت شاگرد آغاز میشود واین باید درجهتی باشدکه ازاو یك هنرمند بسازد ، هنرمندی که باید ازبسیاری چیزها آگاه باشد و دید درستی از همه‌چیز داشته باشد . بهمین سبب همانطورکه گفتم چنین مدارس وکلاسهائی تنها برای آموختن رقص به‌وجود نیامده است بلکه هدف ساختن‌آدمی است‌که باآگاهی کامل رقص‌را انتخاب کند . به نظر من بخصوص درکشوری چون کشور ما که فاقد سنت باله است، تنها یاد دادن تکنیك وطرز رقصیدن به‌هنرآموز هیچ معنائی ندارد وکاملا نادرست است . کاملا غلط است که دست بچه‌ای رابگیریم و بزور به‌او یاد بدهیم که برقصد، که چگونه برقصد ، بدون‌آنکه بداند چرا میرقصد ، چرا رقص وجود دارد ، واصلا رقص چیست . مابابد او را تربیت کنیم ، به‌او دید تازه وگسترده‌ای بدهیم تا خود دریابد که رقص چیست وتمایل به‌رقص و انگیزهٔ آنرا در خود بشناسد . می‌دانید که‌باله هنرآسانی نیست واگر کسی رابدون تمایل خودش ، به‌هرترتیب که‌شده وادار به یادگیری آن کنیم حتی اگر واقعاً تکنیك آنرا بیاموزد ، چون علاقهٔ به‌باله در او نیست ، هرگز به‌یك رقصندهٔ‌واقعی تبدیل نخواهد شد . هنرجو باید باله را دوست داشته‌باشد وباآگاهی کامل آن را «انتخاب» کند . هدف ما بوجود آوردن این علاقه است .

ــ بچه‌ها را در چه سنی می‌پذیرید ؟

● مایك دورهٔ نساله داریم ، بچه از کلاس چهارم

www.easterndanceforum.com

ابتدائی به‌این مؤسسه می‌آید وبعدازه سال به‌او دیپلم می‌دهیم .

ــ این بچه‌ها را چطور انتخاب می‌کنید؟ هرداوطلبی را می‌پذیرید یا برای پذیرش معیارهای خاص دارید ؟

● مطمئناً معیارهائی در کار است و به همین دلیل ناچاریم مدتی بابچه‌های داوطلب کار کنیم و بعد ازمیان آنها عده‌ای رابرای کار انتخاب کنیم . فرم بدن کودك بسیار مهم است، بدن حتماً بایدبرای «رقص» مناسب‌باشد واین ازهمان سنین بچگی آشکار است . البته می‌توان تاحدودی درساختن وتکمیل این فرم کوشش کرد . بعد باید ببینیم که عضلات کودك درمقابل تمرینات چه‌واکنشی نشان می‌دهد . وقتی باآنها کار می‌کنیم ، می‌بینیم‌بعضی، عضلاتی انعطاف پذیر و مستعد دارند ودر عضلات بعضی‌ها هیچ واکنشی ، انعطافی به‌چشم نمی‌خورد .

جز اینها نکتهٔ بسیار مهم دیگری نیز هست و آن آمادگی روانی کودك برای رقصیدن است . تدارك این آمادگی دیگر درقدرت هیچکس نیست .

ضابطهٔ دیگری که برای پذیرفتن بچه‌ها مورد نظر است، حس موسیقی آن‌ها است . بچه باید گوشی آشنا به موسیقی داشته باشد .

البته این را شاید نتوان زودتر از یکسال کار با بچه‌ها تشخیص داد ، بخصوص درمورد بچه‌های ایرانی که‌گوششان به‌موسیقی غربی آشنا نیست .

ــ پس در همان آزمایش اول تمام این‌ها نمی‌تواند قابل تشخیص باشد .

● مسلماً نه ، در وهلهٔ اول تنها روی فرم بدن‌کودك می‌توان قضاوت کرد، در حقیقت باید یکسال بایك بچه کارکرد تابه‌استعداد های اوپی‌برد . اغراق نیست اگر بگویم که برای پی‌بردن به‌استعداد واقعی‌کودك حتی بیش ازاین وقت لازم است . ولی ما درابتدا تنها روی فرم‌بدن وعکس‌العمل عضلات قضاوت می‌کنیم و انتخاب خودمان رابراین اساس قرار می‌دهیم .

مثلا امسال ٤٥ داوطلب داشتیم که فقط هفت نفر از آنها را توانستیم بپذیریم باوجود این می‌توانم بگویم که بازاین انتخاب هم بهترین انتخاب نبود، یعنی ایده‌آل‌نبود. مطمئناً اگرداوطلب بیشتری وجود داشت ماشانس انتخاب دقیقتری داشتیم . درمدارس دیگر جهان معمولا همین حدود شاگرد را ازمیان هزارها داوطلب انتخاب می‌کنند.

ــ و حالا از چگونگی کار بابچه‌ها بگوئید ، وقتی که‌کودکی بااستعداد پذیرفته شد ، او چه مراحلی را باید طی کند ؟

● در سالهای اول، تمرینات باله برای بچه‌ها سخت وکسل کننده است، چون بناچار باید با دیسیپلین بسیار کارکرد وبه‌همین دلیل کار برای بچه‌هاخسته کننده و یکنواخت می‌شود . روی‌همین اصل ما دربرنامه‌مان‌آموزش هنرهای تجسمی رانیزگنجانده‌ایم و به‌بچه‌ها نقاشی ومجسمه سازی را باوسائل مختلف چون گل ، سیم ، مقوا، یا مخلوطی ازاینها یاد می‌دهیم . درسالهای اول تاسوم بچه‌ها حتماً از کلاسهای هنرهای تجسمی استفاده می‌کنند .

هدف ازتشکیل این کلاسها اینست که نیروی خلاقه را دربچه‌ها حفاظت وتقویت کنیم . درهمین سالها ما بچه‌ها را به‌مطالعه درزمینه‌های مختلف چون شعر و قصه، وتاریخ وجغرافی ودرست گوش دادن به‌موسیقی و دیدن آثار نقاشی و مجسمه‌سازی ، و ازاین راه به‌فکر کردن وامی‌داریم .

از کلاس چهارم که دیگر رقص از حالتهای خشك تمرینی بدر می‌آید و بچه‌ها ــ باصطلاح ــ راه می‌افتند کلاسهای «فرم» برایشان ترتیب داده‌ایم . در این کلاسها آنها باسبك‌های‌مختلف هنرهای تجسمی آشنا می‌شوند .

ــ خوب ، اول از نحوهٔ کار بابچه‌ها در کلاسهای

www.easterndanceforum.com

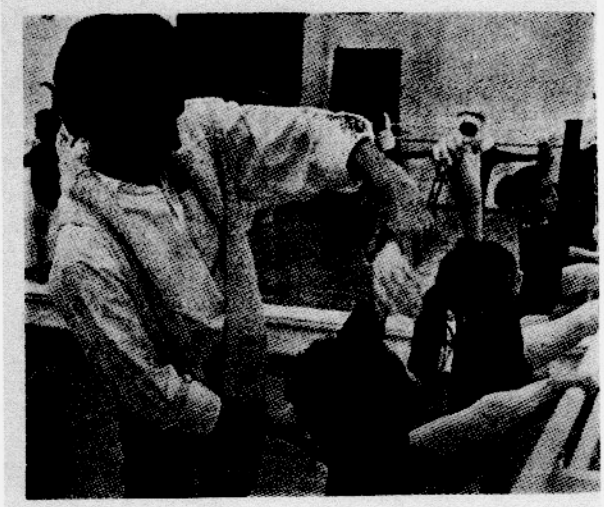

باله بگوئید تابعد مفصلا ازکارهای دیگرشان حرف بزنیم.

● در شروع کار ، مایك مقدار تمرین برایشان در نظر گرفته‌ایم که بدن آنها رابرای رقص آماده کند . بعد تمرینهای باله را ــ بصورت خیلی ابتدائی ــ شروع‌می‌کنیم وسعی می‌کنیم درهمین یکی دوسال اول ازجهت تکنیك اولیه رقص پایهٔ محکمی به‌بچه‌ها بدهیم . این قسمت از کار همانطور که گفتم برای بچه‌ها سخت و یکنواخت است . غیر ازاین هفته‌ای یکروز کلاس حرکات آزاد داریم . در این ساعات بچه‌ها آزادانه وهرطور که دلشان بخواهد حرکاتی انجام می‌دهند .

بطور کلی چون لازم است که تکنیك بالهٔ هنرجویان تقویت شود ، سعی می‌کنیم که بیشتر وقتشان درکلاسهائی که برای یادگیری حرکات باله تشکیل شده است ، سپری شود . بچه‌ها باینصورت کار می‌کنند و پیش می‌روند و درضمن هفته‌ای یکروز رقص مدرن دربرنامه‌شان پیش‌بینی شده است . چراکه امروزه تکنیك بالهٔ مدرن برای هر رقصنده‌ای لازم است وحتی طراحان کلاسیك نیز در طرحهای خود ازبرخی ازتکنیك‌های مدرن استفاده می‌کنند .

درس دیگر بچه‌ها ، **رقصهای کاراکتر** است. رقص کاراکتر بمعنای رقص محلی کشورهای مختلف است وما آنرا به اینجهت دربرنامه گنجانده‌ایم که شاگردها ازنظر «سبك» با فولکلور سرزمین‌های مختلف آشنا شوند واگر روزی درباله‌ای شرکت کردند که مثلا موسیقی و داستان اسپانیائی یاروماتی داشت، کم وبیش یك آشنائی قبلی با رقص این سرزمینها داشته باشند وزودتر بتوانند آنراحس کنند .

برای دخترها از کلاس سوم درس **«پوان»** (Point) شروع می‌شود ، یعنی کار روی پنجه پا . واین برای هنرجو سخت‌ترین قسمتهاست ، چون باید باتکنیك کاملا دقیق وصرف وقت بسیار آنرا بیاموزد . درحقیقت این مهمترین عاملی است که باله را ازانواع دیگر رقص‌متمایز می‌کند ، واز همین‌رو می‌توان‌گفت مهمترین تکنیکی است که تاکنون درجهان برای باله بوجود آمده‌است .

طی همین کلاسهای «پوان» است که کار به‌صورت اختصاصی درمی‌آید ودر حقیقت بالهٔ واقعی شروع‌می‌شود.

مرحلهٔ دیگر، فراگیری «رقصهای درباری»(مجلسی) است . دراینگونه رقص‌ها معمولا پیش ازآنکه به‌تکنیك‌و حرکات پا توجه شود حرکات بالاتنهٔ رقصندگان مورد نظر قرار می‌گیرد .

بعد ازاینکه تکنیك «پوان» هنرجویان قوی شد، رقصهای «پاددو» (دونفری) و «پادتروا» (سه‌نفری) را آغاز می‌کنیم تاآنها رقصیدن با همراه را بیاموزندوضمناً

www.easterndanceforum.com

تمرین بیشتری در «پوان» داشته باشند .

در مرحلهٔ بعدی هنرجویان با «رپوتوار» باله ، یعنی باقسمتی از طراحیهای باله‌های قدیمی، آشنا می‌شوند . این هم ازنظر تاریخی وهم ازنظر شناخت انواع رقص ومراحل تکاملی آن ، برای هنرجویان بسیار مفید است.

در کنار درسهای اصلی ، درهرفرصتی ، بههنرجویان امکان تمرین درطراحی داده می‌شود . چون درحال‌حاضر مابیش از هرکس به«طرح» نیازمندیم . شاید در میان هنرجویان کسانی یافت شوند که بتوانند طراحان آینده باشند .

*

حالا ببینیم که هنرجویان چگونه با هنرهای‌تجسمی آشنا می‌شوند .

«جعفری» ، معلم هنرهای تجسمی می‌گوید :

● غالباً بچه‌ها این کلاس را به‌نام‌های مختلفی می‌نامند مثلا «کلاس کار ذهنی» ، که من اینرا ترجیح می‌دهم .

بهرحال ، هرچه که اسمش را بگذاریم ، ساعاتی که مادور هم جمع می‌شویم وباهم کار می‌کنیم . هدف اینست که نیروی خلاقهٔ بچه‌ها را بااستفاده از هنرهای تجسمی تقویت کنیم . دراینراه ماهیچ محدودیتی نداریم. نمی‌خواهیم خود را وادار کنیم که مثلا تنها ازراه‌نقاشی به‌خواستهٔ خود برسیم . نه، ما از هرعاملی ، از هرمساله‌ای استفاده می‌کنیم تا ذهن بچه‌ها رابه‌کار اندازیم .

● کاری می‌کنیم که آنها فرم را بهتر بفهمند ، رنگ وحرکت رابهتر بفهمند . گاهی به‌آنها می‌گوئیم‌قصه بنویسند ، گاهی خودشان نمایشنامه می‌نویسند ، گاهی شعر می‌گویند وگاهی نمایش می‌دهند . ما اسم این نمایش‌ها را نمی‌گذاریم تآتر ، برای اینکه نمی‌خواهیم بچه‌ها بازی کنند ، بلکه می‌خواهیم «ماجرا»ئی را حس کنند و باآن زندگی کنند .

شاید بچه‌ها بدانند من کی هستم وچه اطلاعاتی دارم و یا چه چیزی را می‌خواهم به‌آنها یاد بدهم . برای آنها کسی هستم که کارهایشان را دوست دارم و باآنها کار می‌کنم ، کسی هستم که به میان آنها می‌روم ، و باهم می‌نشینیم وفکر می‌کنیم. من‌برای بچه‌ها ازفرم‌هاوصداهای مختلف حرف می‌زنم . و بعد به‌این نتیجه می‌رسیم که بین فرم و صدا ارتباطی هست . از بچه‌ها می‌پرسم که چرا اسم درختان متفاوت است ، چرا درهنگام پائیز با نگاه کردن به‌برگهائی که روی زمین ریخته است می‌توانیم بفهمیم که هرکدام‌مال چه درختی است . بعد درمی‌یابیم که برگ‌ها نمودار درخت‌ها هستند. پس می‌بینیم که ازفرم می‌توان به‌معنا پی‌برد ، می‌توان فرم‌ها راکنار هم‌گذاشت وبه‌معناهای تازه‌ای رسید ، می‌فهمیم که خط، صدا ، رنگ وفرم درچه رابطه‌هائی باهم هستند .

بچه‌هائی که شاید قبلا نمی‌توانستند درست حرف بزنند ، حالا شعر می‌گویند ، قصه می‌نویسند ، نقاشی‌می‌کنند ومجسمه می‌سازند .

ما دراین مرحله کمتر حرف می‌زنیم ، اصلا حرف نمی‌زنیم ، اصلا به‌بچه‌ها نمی‌گوئیم که داریم چه‌می‌کنیم ولی تمام کوشش خود را بکار می‌بریم که آن‌ها توانائی‌های خودشان را بشناسند .

وقتی با بچه‌ها کار می‌کنم اصراری ندارم که نام و مشخصات چیزی را به‌آنها یادبدهم ، بیشتر سعی می‌کنم که خودآنها دریابند. گاه مدتها به‌کاری‌سرگرمند بدون‌اینکه نام ونوع‌آنرا برایشان‌گفته باشم. مثلا لغت «کمپوزیسیون» را به‌آنها نگفته‌ام که قبل ازدریافت مفهوم آن ، بیجهت ازآن استفاده کنند و مثل بزرگترها به لغت پرانی‌دلخوش باشند ، ولی خود درعمل دریافته‌اند که «کمپوزیسیون» چیست .

این شیوهٔ کار مانع می‌شود که بچه‌ها از فضای ذهنی خود ، ــ فضائی که وجودش دراین سن وسال برایشان ضروری است ــ خارج شوند ، بینش آنها بطور غیرمستقیم بدون اینکه به‌دنیای زیبای کودکانه‌شان لطمه‌ای بخورد، بتدریج وسعت پیدا می‌کند . بچه‌ها ساختمان‌های دوره‌های مختلف را بانقاشیهای همان دوره و بافرم‌های رقص آن زمان بصورت تطبیقی می‌بینند وبایکدیگر مقایسه می‌کنند ــ(در اینراه ازاسلاید ، کتاب ، صفحه وهرچیز دیگرکه بتوانیم استفاده می‌کنیم) ــ و خیلی خوب درمی‌یابندکه چه رابطه‌ای بین معماری ونقاشی‌ورقص و مجموعهٔ‌اعتقادات یك دوره وجود دارد .

گاهی یك فرم ، مثلا یك سیم‌تاب خورده را به آنها نشان می‌دهم وازآنها می‌خواهم که برای‌این فرم یك‌صدای مناسب پیدا کنند . یاحرکتی رابه‌آنها نشان می‌دهم و می‌پرسم چه نوع موسیقی ویا ساده‌تر چه صدائی می‌تواند بااین حرکت متناسب باشد .

ــآیا غیر ازآنچه که هنرجو به‌تنهائی انجام میدهد، در زمینهٔ هنرهای تجسمی کارهای مشترك ودسته‌جمعی نیز برایشان ترتیب می‌دهید ؟

● بله ، یکی ازبرنامه‌های ما نقاشی‌های دسته‌جمعی است که بچه‌ها باید باهم آنرا انجام دهند . کار دیگری که می‌کنیم اینست که یك سلسله ازنقاشی‌های بچه‌ها را ــ که برای خود دارای داستانی است ــ می‌گذاریم جلویشان ومی‌خواهیم که هربچه برای آن قصه‌ای بسازد . در نتیجه روی یك سلسله تصاویر واحد ، قصه‌های مختلفی کـه از

www.easterndanceforum.com

ذهن‌های مختلف سرچشمه گرفته‌است بوجود می‌آید. تمام اینها برای اینست که هنرجو خود فکر کند و ذهنش پرورش بیابد .

— برای من یك سؤال پیش می‌آید . بچه‌هائی که دراین فضا زندگی می‌کنند، فضائی جدا از آنچه که‌بیرون دراطرافشان می‌گذرد ، خودرا دربیرون از این محدوده چگونه حس می‌کنند ؟ آیا می‌توانند بابرادر ، خواهر، همبازی ، پسرخاله ودوستی که در مدرسهٔ دیگری درس می‌خواند وازتربیتی کاملا متفاوت تأثیر می‌گیرد ارتباط برقرار کنند ؟

● در اوائل کار این درست مهمترین مشکل مابود سعی ماایین‌بود وهست که بچه‌ها دریك فضای کودکانهٔ پاك ودرست زندگی کند ، ودرکنار بازی وتفریح بفکر کردن نیز عادت کنند . ولی گاه می‌دیدیم که روز بعد یکی از آنها زیرلب ترانه‌ای زمزمه می‌کند که بچه‌گانه نیست ، پاك وزیبا نیست واز آنچه که ما می‌خواهیم برای‌بچه‌ها بوجود آوریم جدا است .

کاری که ما می‌توانیم بکنیم اینست که از شدت‌تأثیر عوامل خارجی در بچه‌ها بکاهیم وبجای آنچه که از او می‌گیریم چیزهای متفاوت دیگری دراختیارش بگذاریم بطوری که دربیرون ازاین محدوده احساس تنهائی‌وغربت نکند و بجای آنکه کارهای سایر بچه‌ها را تقلید کند خود چیزهای تازه‌ای داشته باشد که به‌آنها یاد بدهد .

دوباره به گفتگوی با «بیژن کلانتری» برمی‌گردیم وهمین مسئله تضاد دو محیطی را که هنرجویان در آن زندگی می‌کنند ، با او مطرح می‌کنیم :

● اتفاقاً من فکر می‌کنم وجود این تضاد بسیار مفید است . مگر این بچه‌ها بعدها کجاکار وزندگی‌خواهند کرد ؟ درهمین کشور ودر همین محیط . پس بهتر است ضمن زندگی درفضائی که مابرایشان بوجود آورده‌ایم ، با محیط بیرون هم آشنائی کامل داشته باشند ودر آن هم زندگی کنند، همچیز را ببینند و بشنوند. بکمك همین تضاد است که آنها می‌توانند بمقایسه‌ای تعیین کننده برسند، مقایسه بین کارهای مختلفی که می‌توان کرد . مقایسه بین علائق متفاوتی که می‌توان داشت .

در غیر از اینصورت من فکر می‌کنم اگر بچه‌ای را کاملا از محیطش جدا کنیم ، اورا بدیك انزوای اجتماعی کشانیده‌ایم .

و ما مسلماً چنین قصدی نداریم . مابه‌او کمك‌می‌کنیم که خود راه صحیح راکشف کند، همهٔ دوروبرش را ببیند، درهمه چیز خوب نگاه کند و آنوقت مستقلا «انتخاب» کند . وتنها دراینصورت است‌که انتخاب واقعی خواهد بود .

— آنچه که بچه‌ها در کلاسهای هنرهای تجسمی‌یاد می‌گیرند ، درکار تدریس باله به‌آنها چه تأثیری دارد؟

● بسیار موثر است . می‌دانید این کاری که ما به‌آن «کار ذهنی» می‌گوئیم ، مهمترین حاصلش برای‌خود ما چیست ؟ شناختی دقیق از بچه‌ها . ما ازروی آنچه که آنها دراین کلاسها خلق می‌کنند ، به روحیاتشان پی — میبریم . و وقتی بچه‌ها راخوب شناختیم مسلماً ما در انتخاب وبکارگیری شیوه‌های آموزش باله راهنمائی می‌شویم .

— از درس‌های دیگرشان بگوئید ، غیر ازباله چه درسهائی در اینجا تدریس می‌شود ؟

● صبح تاظهر برنامه درس درست همان برنامهٔ وزارت آموزش وپرورش است و بچه‌ها دروس معمولی را می‌خوانند . زمان درس‌ها کمتر ازسایر مدرسه‌هاست‌ولی چیزی ازدروس کم نمی‌شود تنها فشرده‌تر تدریس می‌شود. امتحانات نهائی وراهنمائی بچه‌ها درمدارس دیگروهمراه با شاگردان دیگر انجام می‌شود وما تاکنون دراین‌امتحانات عمومی هیچ شاگردی نداشته‌ایم که ردشده باشد .

گذشته ازآن «سولفژ» و موسیقی ریتمیك به بچه‌ها تدریس می‌شود. این‌کار فقط برای آشنا شدن آنهاباموسیقی است . و نیز شناخت ریتم که بخصوص برای هنرجویان باله از واجبات است . بیشتر از روش آموزشی «کارل ارف» استفاده می‌کنیم، هر هنرجو بانواختن یك‌ساز نیز آشنا می‌شود نه برای اینکه درآینده نوازنده شود بلکه برای اینکه با«ریتم» راحت‌تر وسریعتر آشنائی پیدا کند.

www.easterndanceforum.com